

روایت ترس و تنهایی انسان

سعیده اسداللهی

نویسنده



جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان در رساله‌ای در باب فهم بشر گفته است که هویت فردی همان هویت ضمیر خودآگاهی است که از طریق استمرار در زمان جریان دارد. به بیان دیگر، فرد به واسطه خاطراتی که از افکار و اعمال گذشته‌اش دارد، با هویت مستمر خود ارتباط می‌یابد. هیوم نیز منشأ هویت فردی را در مجموعه خاطره‌های خود می‌دانست و می‌گفت: «چنانچه خاطره‌ای نداشتیم، هیچ‌گونه تصویری از علیت نمی‌داشتیم و در نتیجه تصویری هم از آن زنجیره علت و معلولی که نفس یا ذات ما را تشکیل می‌دهد، نمی‌داشتیم.» چنین دیدگاهی از خصوصیات رمان است. کندوکاو در شخصیت آدمی، آن گونه که در نفوذ متقابل خودآگاهی گذشته و حال نشان داده می‌شود، موضوعی است که بسیاری از رمان‌نویسان، از استرن گرفته تا رمان‌نویس فرانسوی اوایل قرن بیستم، مارسل پروست به آن پرداخته‌اند. شخصیت‌ها در انواع ادبی پیش از رمان معمولاً اسامی خاص داشتند که در حقیقت حاکی از آن بود که نویسنده نمی‌خواهد شخصیت‌هایش را موجوداتی کاملاً فردیت یافته نشان دهد، حال آن که رمان‌نویسان پیشگام به نحو بسیار بارزی از این سنت گسستند و برای شخصیت‌های رمان‌هایشان نام‌هایی برگزیدند که نشان می‌داد باید آنها را افرادی خاص در محیط اجتماعی همان دوران دانست.

آنچه در داستان بلند «امیلی ال» حائز اهمیت است، شیوه داستان‌درداستانی است که نویسنده به واسطه آن دو روایت را به طور موازی پیش می‌برد. راوی زن نویسنده‌ای است که ماجرای تنهایی، ترس و دل‌باختگی‌اش را از طریق روایت سرگذشت کاپیتان و همسرش بازگو می‌کند. نویسنده صحنه آغازین داستان را با غروب و ترس شروع می‌کند و صحنه پایانی هم با همین عنصر، به همراه خواب و شب، پایان می‌پذیرد. اساساً عنصر غروب و رنگ سرخ، موتیف داستان است. دوراس نویسنده هوشمندی است که هرگز دچار تیپ‌سازی نمی‌شود. در این داستان هم هیچ‌کدام از شخصیت‌ها، نام خاصی ندارند. به گونه‌ای که حتی نام امیلی ال هم مستعار و به صورتی کاملاً تصادفی انتخاب شده است. دوراس به عمد نام‌ها را مخفی نگه می‌دارد. گویی آدم‌ها در انزوای خودشان با بیم و هراس زندگی می‌کنند و از ترس گریزی نیست. مارگریت دوراس همواره می‌کوشد تا جهان، آدم‌ها و سرگذشت آنها را همان‌گونه که هست به ما نشان دهد. امیلی ال، روایت ترس و تنهایی انسان است درآشفته‌بازاری به نام جهان. این داستان بلند به ترجمه شیرین بنی‌احمد در نشر نیلوفر به چاپ رسیده است.



در دوره‌می کتاب «حُسن یوسف» مطرح شد

نسل آینده روزهای سخت کرونا را فراموش نکنند



حُرسندی کرد. به گفته او حُسن یوسف حکایت از زمان خودش دارد و درگیر و دار بیماری کرونا در ایران، نوشته شده است. او تأکید کرد: «علی‌رغم آن‌که کتاب‌های بسیاری با موضوع این بیماری در قالب داستان منتشر شده است، هیچ‌کدام را نمی‌توان داستان نامید.» از طرفی بیان کرد که حُسن یوسف را می‌توان با موضوع بیماری کرونا یک داستان بلند قلمداد کرد. داستانی که از دل کار بیرون آمده و برآیندی از زیستن دارد. او در ادامه نویسنده را بابت خلق کارکرهای موجود در داستان تحسین نمود و با خواندن بخش‌هایی از کتاب، شاهد مثالی از قدرت کارکتر در داستان آورد: «می‌خواستم کلیدم را از کیف پولم بردارم و خودم در را باز کنم اما دلم می‌خواست مادرم در را برایم باز کند و هر بار امیدوار باشم که شاید امروز لباس قشنگی پوشیده باشد. موهایش را شانه زده باشد. لبخند بزند و از روز و روزگارش راضی باشد. برایم از خبرهای خوب آن روز تعریف کند.»

■ علت موفقیت: تجربه زیست بالا

سمیه عظیمی به آمیزه احساس که در داستان به زیبایی با کلمات آمیخته و توصیفاتی حساب شده توسط نویسنده خلق شده است، اشاره‌ای کرد. عظیمی قدرت خوب نوشتن نویسنده را منوط به زمانی دانست که همچون نویسنده حُسن یوسف صاحب تجربه زیست قوی باشند. در ادامه عظیمی بیان کرد که توصیه همیشگی‌اش به اهالی کتاب و نویسندگان، خواندن این قبیل ژانر و داستان‌هایی است که برآمده از تجربه زیست نویسنده است. به اعتقاد او خواندن این‌گونه ژانرها که همسایه دیوار به دیوار زندگی‌نامه است درصد آزمون و خطا را در خواننده کاهش می‌دهد. از طرفی او نویسنده این کتاب را در این‌گونه ژانر بسیار موفق دانست و علت موفقیتش را در تجربه زیست بالا و حضورش در جای‌جای داستان به شمار آورد. حضوری که منجر به بیانیه صادر کردن نویسنده در بطن کلمات شده است.

■ ارزش بالای تاریخی

بعد از آن فاطمه سلیمانی ابراز کرد که حُسن یوسف از نظر تاریخی ارزش بالایی دارد. او با یک مثال درباره ثبت وقایع در قالب داستان اینچنین بیان کرد که همیشه ثبت وقایع در زمان خودش اهمیت بالایی در تأیید شدن دارد. همچون ثبت و نوشتن از دوران جنگ که نوشتن در همان زمان موجب مصون ماندن وقایع، از شک و تردید می‌شود. حُسن یوسف داستانی خواندنی است از دختری هنرمند که با ایستادن در مقابل سایه مرگ عزیزانش، راوی دورانی است که ویروسی نفسگیر می‌آید و به دشواری قدم به رفتن برمی‌دارد. قدم‌هایی که نویسنده با زیستن در آن دوره و خلق شخصیتی داستانی، ردپایی از آمدن و رفتن این بیماری را به زیبایی با کلمات درهم تنیده است.

حُسن یوسف نوشته فاطمه داوودی در سال ۱۴۰۲ در ۲۱۷ صفحه با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۱۰ هزار تومان توسط انتشارات بین‌الملل منتشر شده است.

نشستی صمیمانه در فروشگاه کتاب بین‌الملل تهران با عده‌ای از اهالی کتاب و فرهنگ، به بهانه انتشار کتاب «حُسن یوسف» که به تازگی این کتاب با قلم فاطمه داوودی توسط انتشارات بین‌الملل منتشر شده، برگزار شد. مهمانانی در این مراسم حضور داشتند که در زمینه نویسندگی سابقه دارند. فاطمه داوودی نویسنده کتاب حُسن یوسف، فاطمه سلیمانی ازندریانی و سمیه عظیمی از نویسندگانی بودند که در این دوره‌می سخن گفتند.

■ پاردوکسی از درونمایه تلخ و کلماتی زیبا

در آغاز این نشست، فاطمه سلیمانی که اجرای برنامه را برعهده داشت، خاطره‌ای از شروع آشنایی خودش با نویسنده حُسن یوسف را بیان کرد. آشنایی در برنامه‌ای تلویزیونی به نام چراغانی که با هدیه کتابی به فاطمه داوودی، به دوستانی صمیمی تبدیل می‌شوند. فاطمه سلیمانی ذوق و پشتکار نویسنده را در پی حضورش در جلسات نویسندگی و نوشتن این داستان شتود. جلساتی که هر چهارشنبه باتدریس فاطمه سلیمانی برگزار می‌شده است. فاطمه سلیمانی از ارائه طرح این داستان توسط نویسنده در جلسات نویسندگی گفت که در آن زمان پیش از انتشار کتاب، بسیار از نگاه من و دیگران مورد توجه و تحسین قرار گرفت. همچنین در ادامه انگیزه فاطمه داوودی در نوشتن این داستان را با یک پرسش جویا شد. «حُسن یوسف به قلم فاطمه داوودی داستانی است از سالی که ویروس کرونا در ایران شیوع پیدا می‌کند. حال و هوای شومی که می‌توان پاردوکسی از درونمایه‌ای تلخ که با کلماتی زیبا در هم تنیده شده‌اند را به چشم دید. دختری به نام لیلی که داستان با محوریت او شکل می‌گیرد و درد و رنجی که می‌توان به واسطه او از آن دوره حس کرد.»

■ نسل آینده، فراموش نکنند

نویسنده حُسن یوسف انگیزه‌اش را از نوشتن این داستان این‌گونه شرح داد که با وجود ایده‌های بسیار و ژانرهایی که در اطرافم بود، دلم می‌خواست رویا بفروشم و با مسامی دوران تلخی که همه در آن قرار داشتیم، بنویسم. داستانی بنویسم که این سیاهی‌ها هرچه زودتر تمام شود. داوودی در ادامه انگیزه‌اش را از نوشتن این داستان این‌گونه بیان کرد که در آن حال و هوای تلخی که مردم ایران با بیماری کرونا دست و پنجه نرم می‌کردند، قصد داشتم داستانی بنویسم تا نسل آینده فراموش نکنند که چه روزهایی دشواری را پشت سر گذاشتیم. نویسنده علت این‌گونه نگاهش به جامعه در آن پُرره سخت را برگرفته از دغدغه‌اش در حوزه جامعه‌شناسی دانست که اکنون هم در دانشگاه با این رشته سر و کار دارد.

■ داستانی که از دل کار بیرون آمده

سمیه عظیمی که مهمان دیگر این نشست بود، در آغاز از دورانی گفت که این داستان حول محور آن نوشته شده است. عظیمی ضمن تبریک به نویسنده و انتشارات بین‌الملل، از انتشار کتابی که حقیقتاً می‌توان آن را داستان نامید ابراز

